

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1398/02/03



موضوع: مسئله یازدهم

بحث و تحقیقی که درباره مسئله شماره یازده داشتیم صورت گرفت و گفته شد که عادت مرکبه طبق متن و نظر بعضی از فقهاء درست است ولی صاحب جواهر و سیدنا الاستاد اشکال کردند که عادت مرکبه اساس ندارد متن را به طور کامل نخواندیم که چند سطر باقی ماند «نعم اذا تکررت کیفیه المذکوره مرارا عدیده بحیث یصدق فی العرف ان هذه کیفیه عاداتها و ایامها لا اشکال فی اعتبارها فالاشکال انما هو فی ثبوت العاده الشرعیه بذلک و هی الرویه کذلک مرتین» این منظور سید طباطبایی را درست بفهمیم پس از آنکه فرمودند اگر رویت دم متوالی نبود یکی بر خلاف سابق بود عادت اولی نسخ می شود و دومی که متمثلین نیست ثابت نمی شود امر به احتیاط اولی است این فرمایش را که گفتند که شرح دادیم بعد فرمود اگر تکرار شود کیفیت مذکور، که در صورتی که شهرین متوالیین علی خلاف سابقین بود ناسخین می شود برای عادت اولی ولی احتیاط اولی است همان احتیاطی که فقیه همدانی فرمود احتیاط اینجا که جای سوال داشتید احتیاط خاصی است حکم حیض را در نظر می گیریم ولی بعداً نماز را بعد از طهر اعاده می کنیم احتیاطش این گونه است. نماز نمی خواهد به حکم حیض و بعداً نماز را اعاده می کند که حکم حیض واقعی تلقی نمی کند. اینجا این نکته آخر را ترجمه کنم «نعم اذا تکررت» اگر همین کیفیت که گفتیم احتیاط می شود و حکم به عادت نشود اگر همین کیفیتی که نامنظم است عادت سابق و لاحق بهم ریخته است مضطر به نیست مضطر به فرق دارد با تکرار کیفیت نامنظم، مضطر به این است که اصلاً هیچ نظمی نیست گاهی رویت دم دارد و گاهی ندارد اول شهر یا وسط شهر نشان نمی دهد اما این حالت این است که یک کیفیت نامنظمی است ولی آن کیفیت نامنظم تکرار می شود می فرماید این کیفیت نامنظم که تکرار بشود مراراً عدیده صدق عرفی می کند که عادت است ولیکن صدق عادت شرعی مشکل هست چون با هیچ یکی از مدلول خبرین

و مجمع علیه فقهاء تطبیق نمی کند نه متوالیین هستند نه متمثلین هستند نه سنخیت عددی دارد نه سنخیت وقتی فقط یک کیفیت نامنظمی است که تکرار شده است عرف می گوید عادت ولی اثبات آن به عنوان عادت شرعی کار مشکلی است. وقتی که کار مشکل شد نتیجتاً باید بگوییم که اینجا همان عمل به احتیاط ترک نشود که عمل به احتیاط این بود که در آن عادت به ظاهر حکم حیض عمل کند ولی بعد از انقضاء ایام حیض نماز را در آن مدتی که قضاء کرده است اعاده کند.

سوال:

پاسخ: احتیاط در مورد شک در عادت طبیعتش این است خلاف احتیاط نمی شود چون که مکلف در آن موردی که عادت برایش عرفاً صدق کرده احتیاط این است که به آن عادت عمل کند. و بعد شرع می گوید چون این عادت عرفاً محقق است ولی شرعاً تحققش کامل نیست و مسلم نیست باید اعاده بشود طبیعت این احتیاط همین است به عبارت سیدنا الاستاد آنجا به حکم ظاهری عمل کرده است و در اعاده حکم واقعی در نظر گرفته می شود. این احتیاط کارش به اینجا کشیده می شود که در آن مرحله به حکم ظاهری عمل می کند و در مرحله اعاده به حکم واقعی عمل می کند.

مسئله دوازدهم

مسئله شماره دوازده: «قد تحصل العاده بالتمییز كما فی المرأة المستمرة الدم اذا رأت خمسة ايام مثلاً بصفات الحيض فی اول الشهر الاول ثم رأت بصفات الاستحاضه و كذلك رأت فی اول الشهر الثاني خمسة ايام بصفات الحيض الى آخر حينئذ تصير ذات عاده عدديه وقتیه» به وسیله صفات، بعد می فرماید: «و اذا رأت فی اول شهر الاول خمسة بصفات الحيض و فی اول شهر الثاني سته او سبعة مثلاً فتصير حينئذ ذات عاده وقتیه» چون عدد یکی نبود عدد اختلاف داشت. یک شهر پنج بود و یکی شش هفت بود ولی اول شهر بود می شود عادت وقتیه، الان عادت عدديه را هم می فرماید «و اذا رأت فی اول شهر الاول خمسة مثلاً و فی العاشر من الشهر الثاني مثلاً خمسة بصفات الحيض فتصير ذات عاده عدديه»^[1] اینجا همین تمییز آمد عادت درست کرد مثلاً در مثال اولی که عادت وقتیه و عدديه بود پنج روز ماه را حیض می بیند پشت سر هم علی الاتصال پنج روز دیگر استحاضه ماه دوم هم همین طور قبل از اینکه ده روز کامل بشود که تا داخل ده روز حمل بر حیض می شود سه نوبت و دو نوبت که کامل شد نوبت سوم قطعاً می شود صاحب عادت، چون عادت به وسیله صفات محقق می شود منظور از تمییز یعنی صفات یعنی تحقق حیض به وسیله صفات که اسود و با حرارت و با دفع باشد مثلاً. این متن بود که گفتیم.

شرح مسئله

اما شرح مسئله: درباره این مسئله علامه حلی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این وضعیت که به وجود بیاید یعنی تحقق عادت به وسیله اوصاف و تمییز درست است عادت است و «لا نعرف خلافاً فیه» که گویا نفی خلاف می کند نفی خلاف درجه ابتدائی یک مرتبه نفی خلاف می گوئیم که «لا. خلاف فیه» این می شود نفی خلاف کامل و تام و یک مرتبه نفی خلاف ابتدائی است که خود محقق می گوید «لا. نعرف خلافاً فیه» که فقط تحقیق و تفحص خودش را اعلام می کند. [2] و بعد از آن به تأیید ایشان شیخ انصاری قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: ظاهر این است که خلافی در این مسئله وجود ندارد [3] که این دو تا مطلب را فعلاً تا اینجا گرفتیم که بحث از لحاظ آراء در حد نفی خلاف قابل اعلام نیست که خلافی در آن ذکر نشده باشد به طور برجسته و معروف، و اما دلیلی که در این رابطه گفته می شود سید الحکیم قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این مطلب که عادت به وسیله تمییز محقق می شود «لصدق ایامها» آن متنی که در موثق خواندیم که برای شما گفتیم که ما در این بحث با همه فروع دو تا سند داریم که موثق سماعه و معتبره یا صحیح یونس که در این موثق آمده است: «إذا اتفق شهران عده ایام سواء فتلك ایامها» [4] این «ایامها» اشاره به ایام حیض دارد. می فرماید اطلاق «ایامها» این را شامل بشود دلیلی که می توانیم ارائه بدهیم از لحاظ نص همین «ایامها» هست. [5] صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: آن چیزی را که از علامه نقل شده به عنوان اجماع یا عدم خلاف اگر در حد اجماع باشد «فهو المطلوب» و اما اگر در حد اجماع نباشد «فلننظر هناك مجال» اگر اجماع ثابت نشود برای نظر و تأمل در این زمینه مجال و زمینه هست. برای اینکه تمییز آن هم در وضعیتی که در ده روز با استحاضه اتصال دارد که پنج روزش با تمییز است و پنج روزش بدون تمییز است ممکن است در اول امر خروج شدت داشته باشد رنگی داشته باشد و در پنج روز آخر ممکن است ضعیف تر بشود و کم رنگ بشود بنابراین دو تا خونی که علی الاتصال آن هم در خلال ده روز بیاید پنج روزش را حیض و پنج روزش را استحاضه بگوئیم برای اظهار نظر و تأمل مجالی هست که خالی از اشکال نیست از یک سو، این تحلیلاً اما نصاً نه از موثق چیزی استفاده می شود و نه از معتبره یونس. هیچ کدام اینها دلالت بر این ندارد که اگر رویت دم با صفات باشد و آن در وضعیتی که داخل ده روز نصفی حمل به حیض و نصفی حمل بر استحاضه کار مشکلی است. نعم اگر آن پنج روز مستقلاً با صفات بیاید حمل به حیض می شود ولیکن آنجا دیگر نیازی به تمییز نیست می شود عددی و وقتی. بحث این است که این پنج روز با پنج روز دیگر متصل است اگر منفصل باشد که وقتی یا عددیه می شود بنابراین در این رابطه اظهار نظر بشود که پنج روز اولی که احمر و حارّ و عن دق باشد بگوئیم حمل به حیض بشود خالی از اشکال نیست. [6]

اثبات احکام و اثبات موضوع به طور کلی از دو طریق میسر است

سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: اثبات احکام و اثبات موضوعات به طور کلی از دو طریق میسر است: 1. از طریق علم وجدانی، 2. از طریق امارات، امارات در حقیقت علم تعبیدی است طریق قطعی است مدلولش هرچند ظنی است که قاعده را

خواندیم که «ظنیہ الطریق لا. تنافی قطعیه الحکم» که درباره امارات هست. نقش امارات را دیدیم که این است. این مطلب کلی اینجا تطبیق می کنیم در مسئله حیض صفات از امارات حیض هست همان طوری که حیض وجدانا ثابت می شود بالامارات هم علماً ثابت می شود علم تعبدی، اگر امارات مطلبی را جای دیگر ثابت نکند اینجا می گوییم ثابت نکند ولی می دانیم بلا. شبهه امارات هم در موضوعات اعتبار دارد و هم در احکام و صفات از امارات است به یک شرط، شرطش این است که در تحقق اماره شکی وجود نداشته باشد شبهه را از ذهن ما رفع می کنیم می گوییم این ده روز پشت سر هم است پنج روزش را می گوییم حیض و پنج روزش را می گوییم استحاضه گفتیم ممکن است خون به مرور کم رنگ بشود می گوییم اگر چنین شکی بکنیم شک در تحقق اماره است اما اگر در خود تحقق اماره یقین داشته باشید خود فرد می داند که در مسئله در این قضیه چه می گذرد اگر یقین دارد خودش که آن پنج روز اول به تمام معنا با پنج روز دومی فرق می کند قطعاً حرارت و دفع یعنی خروج با فشار و رنگ اسود خودش اگر به طور کامل تشخیص می دهد درست است و حمل به حیض می شود که اماره محقق شده اما اگر خودش شک دارد که روزهای اول پر رنگ تر بوده و روزهای آخر کم رنگ تر شده اینجا دیگر اماره محقق نشده است تا شما شبهه بکنید. پس در اصل تحقق اماره احراز شرط اساسی است اگر احراز نباشد جایی برای حکم وجود ندارد. [7]

اما تحقیق

اما تحقیق این است که درباره این مسئله تمییز به صفات «لا یخلو من قوه» تمییز به صفات قطعاً در نصوص آمده است تجربه قطعی خود بانوان که اعلام شده است هم رسیده است برای مردان شان این هم قطعی است تجربه قطعی است که حیض صفات دارد و صفات هم از لحاظ شرعی اماره تعیین شده است این هم شکی در آن نیست که به عنوان اماره اعلام شده است و این امارات واقعیت هم دارد پس اماره واقعیت دارد و از سوی شرع هم این اماره اماریتش تایید شده، تا اینجا هیچ بحثی نیست. اما در تحقق مصداق این اماره قطعاً آنچه که می توان حسب تحلیل اعلام کرد این است که اگر اتصال مابشری در کار باشد کار مشکل است اگر فاصله ای وجود داشته باشد ولو به اندازه یک روز قابل توجیه است و اشکالی در کار نیست. مثلاً اگر پنج روز اول با صفات دید پنج روز دوم علی الاتصال مابشری و بدون تخلل طهر و نقاء پنج روز دیگر علی الاتصال باز هم رویت دم دید بدون وصف اینجا کار مشکل است که ما حکم بکنیم که آن پنج روز اول حیض و پنج روز دوم استحاضه برای اینکه اتصال که وجود دارد دلیلی که در اصل تحیز داشتیم که خونی که تا قبل از ده روز دیده می شود حمل به حیض می شود از قاعده امکان هم استفاده می شود و امکان حیضیت وجود دارد بنابراین علی الاتصال المباشری بود حکم به تعیین مدت حیض پنج روز به وسیله اوصاف کار مشکلی است اگر جرأت داشتیم اعلام می کردیم که کل این مجموعه محکوم به حیض است اما به اینجا رسیدیم که می گوییم باید عمل به احتیاط کنیم پنج روز دوم را احتیاطاً حیض در نظر بگیریم با همان شرحی که گفتیم عمل به احتیاط کنیم اما اگر اتصال نداشته باشد چهار روز عادت است با اوصاف درست و دقیق آن سه تا وصف حرارت و

جهش و رنگ اگر آن اوصاف به طور دقیق و قطعی وجود دارد برای چهار روز یک روز فاصله بشود یا پنج روز همان خصوصیت یک روز فاصله بشود چهار روز دیگر بعد در همین ده روز خونی ببیند کم رنگ اصفر و بی خاصیت که اصلاً تشابهی به آن خون قبلی ندارد خود طرف احساس می کند که این خون غیر آن خون است جدایی اش کاملاً مشهود است در این صورت طبق اماره شرعی حمل به حیض می شود و بلا شبهه و اشکال.

سوال و جواب

یک سوال و جواب: سوال این است که در این مسئله که در خلال ده روز باشد یک اشکالی پیش می آید اشکال این است که ممکن است از نظر علمی اختبار بشود و آزمایش بشود که این چهار روز بعدی که آمده است مصدر خروج ترشح این دم با ترشح آن دم قبلی یکی است یا فرق می کند از نظر علمی آن طوری که برای من کارشناس هایشان گفته اند که مصدر ریزش این دو تا دم فرق نمی کند همان دیواره است فرقی ندارد و غیر از این دم نفاس فرق می کند دم حیض و استحاضه فرقی نمی کند اما اولاً این اعتماد به اختبار خالی از عسر و حرج نیست برای بعضی ها میسر است برای عامه مردم که میسر نیست عسر و حرج است چیزی که عسر و حرج است اعتبار ندارد ثانیاً آن تشخیص که منظر فرق می کند منظر فقه این است و منظر طب آن است طب ممکن است بگوید که آن یکی است منظرش است و فقه بگوید که منظر ما این است و ما این گونه اعتبار می کنیم تابع اعتبارش است و قدرت هم دارد و ربطی ندارد که علم بگوید که این یکی است یا دو تا. بسیار کلام خوبی بود نتیجتاً این می شود که از جهت علمی اولاً که موجب عسر و حرج می شود و ثانیاً ما نیازی به مراجعه به علم نداریم این شرع است با بصیرت و با آگاهی این گونه اعتبار می کند این گونه اگر با این اوصاف بود این را اعتبار می کنیم اگر با این اوصاف بود این را اعتبار می کنیم یک اعتبار شرعی است و کار هم کامل است پس از که اعتبار شرع بود و هیچ مشکلی نداشت ما تابع اعتبار شرع ایم نتیجتاً اشکالی که به ذهن بعضی از عزیزان خلجان کند که ما از طریق علم می توانیم کشف کنیم این خلجان فقط یک خلجان است و بیشتر از آن چیزی نیست برای اینکه مسئله شرعی است و از سوی شرع اعتبار اعلام می شود مثلاً از باب اخلاط سینه را طاهر اعتبار کرده است و ترشحات و قطره ای از بول که از نظر علمی که بگوید خیلی پالایش شده است علم می گوید هیچ مشکلی ندارد آن را نجس اعتبار کرده، علم می گوید که این اخلاط صد تا میکروب و ویروس دارد و آن قطره بول هیچی ندارد می گوئیم شما حرف تان را بنزید اینجا شرع اعتبار می کند در این رابطه هم با این صفات شرع اعتبار می کند این حیض است آن صفات را اگر نداشت اعتبار می کند که استحاضه است. پس نتیجتاً ما به اینجا رسیدیم که اگر به صفات مراجعه کنیم صفاتی که به اش می گوئیم تمیز اعتبار دارد منتها با خصوصیتی که گفته شد که یک: صفات قطعی باشد یک ذره شک اشکال ایجاد می کند و دو: با یک فاصله ای ولو فاصله یک روز باشد فاصله داشته باشد اگر اتصال بود شبهه ایجاد می شود در صورت شبهه در تحقق موضوع کار مشکل می شود پس با دو تا شرط: یک: صفات قطعی و دو: انقطاعی در کار باشد، آنکه صفات دارد با آنکه صفات ندارد

يك نقاء متخللى ولو در حد اندكى داشته باشد. و اين همان چيزى است كه سيد در متن فتوا داده و اين اقوى است و الله هو العالم.

[1] العروه الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائى اليزدى، ج 1، ص 239.

[2] منتهى المطلب، العلامة الحلى، ج 2، ص 314.

[3] كتاب الطهاره، الشيخ الانصارى، ج 3، ص 199.

[4] وسائل الشيعه، الشيخ الحر العاملى، ج 2، ص 545، ابواب حيض، ب 7، ح 1، ط اسلاميه.

[5] مستمسك العروه الوثقى، السيد محسن الحكيم، ج 3، ص 215.

[6] جواهر الكلام، الشيخ محمد حسن النجفى، ج 3، ص 178.

[7] التنقيح فى شرح العروه الوثقى، السيد ابوالقاسم الخوئى، ج 7، ص 166.